اسلام (این است که): گواهی بدهی به اینکه معبودی برحق جز الله نیست و محمد فرستاده الله است، نماز را بر پا داری، زکات را بدهی، رمضان را روزه بگیری و زیارت خانه کعبه را اگر راهی به سوی آن یافتی انجام دهی

از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است فرمود: یك روزی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم نشسته بودیم، مردی با لباس بسیار سفید، موهای بسیار سیاه بر ما ظاهر شد، در حال که هیچ اثری از سفر بر او دیده نمی شد، و هیچ یکی از ما او را نمی شناخت، تا اینکه نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم نشست، و زانوی خود را بر زانوهایش گذاشت، و کف دست خود را بر ران های خود گذاشت. و گفت: ای محمد از اسلام به من خبر بده، به او گفتند: اسلام (این است که): گواهی بدهی به اینکه معبودی برحق جز الله نیست و محمد فرستاده الله است، نماز را بر پا داری، زکات را بدهی، رمضان را روزه بگیری و زیارت خانه کعبه را اگر راهی به سوی آن یافتی انجام دهی » گفت: «راست گفتی» ما از این که از او می پرسد و تصدیق می کند، شگفت زده شدیم، گفت: از ایمان به من خبر بده. فرمودند: اینکه به الله، فرشتگان، کتابها، پیامبران، روز آخرت، و ایمان به قدر خیر و شر آن ایمان بیاوری. گفت: راست می گویی. گفت: از احسان به من خبر بده، فرمودند: الله را چنان عبادت کنی که گویا او را می بینی و اگر او را نمی بینی پس او تو را می بیند». گفت: «پس مرا از قیامت خبر بده». فرمودند: «آیا سوال شونده از سوال کننده داناتر نیست؟» گفت: «پس از نشانه های آن به من خبر بده.» فرمودند: اینکه کنیزی بادارش را به دنیا بیاورد، و این که پا برهنه ها و بی چاره ها وچوپانانی را ببینی که ساختمان های بلند اعمار می کنند.» سپس رفت و اندکی درنگ کردم، فرمودند: «ای عمر! آیا می دانی سوال کننده چه کسی بود؟» گفتم: «الله و رسولش داناترند.» فرمودند: « او جبرئیل بود، آمد تا دین شما را به شما بیاموزد».

[صحیح] [مسلم روایت کرده]

عمر بن خطاب رضی الله عنه می فرماید که جبرئیل علیه السلام به صورت مردی ناشناس نزد صحابه رضی الله عنهم ظاهر شد، در حالی که لباسش بسیار سفید و موهایش بسیار سیاه بود، و آثار سفر از قبیل خستگی و گرد و غبار و موهای نامرتب و کثیف بودن لباس بر او نمایان نبود، و هیچ یکی از حاضران او را نمی شناختند در حال که با پیامبر صلی الله علیه وسلم نشسته بود، پس به شیوه متعلم در حضور پیامبر صلی الله علیه وسلم نشست و از او در باره اسلام پرسید، پس او با این ارکان پاسخ داد که شامل اقرار به شهادتین، واقامه نمازهای پنج گانه، پرداخت زکات به مستحقان آن، و گرفتن روزه ماه رمضان، و اداء حج برای کسی که توان آنرا داشته باشد. پرسش کننده گفت: راست می گویی، صحابه از پرسش او تعجب کردند، که او از آنچه پرسان می کند که ظاهرا در مورد آن معلومات ندارد، و سپس جواب های اورا نیز تایید می نماید. سپس از پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد ایمان پرسید، و او با این شش رکن که شامل ایمان به وجود الله متعال، و صفات او، ویکتا بودن او در افعالش مانند آفرینش، و یکتاب بودن او در عبادت، و اینکه فرشتگان که الله متعال آنها را از نور آفریده است؛ بندگان صالحی هستند که از اوامر الله متعال سرپیچی نمی کنند، و فرمان او را عملی می کنند، و ایمان به کتاب هایی که از جانب الله متعال بر پیامبران او نازل شده است، مانند قرآن و تورات و انجیل و غیره، و فرستادگانی که دین الله را از موسی، عیسی و آخرین آنان، محمد صلی الله علیه وسلم و سایرجانب او ابلاغ کردند، از جمله نوح، ابراهیم، پیامبران و رسولان، و ایمان به روز قیامت، و آنچه بعد از مرگ و قبر و حیات برزخ می آید، و اینکه انسان پس از ویا جهنم است، و اعتقاد به اینکه الله متعال چیزهامرگ زنده می شود و محاسبه می شود، و سرنوشت او یا بهشت را بر اساس آنچه قبلاً می داند مقدر کرده است. و حکمت و نوشته او بر آن مستلزم، و اراده او نسبت به او و وقوع آنها بر حسب آنچه که برای آنها مقدر کرده و آفریده است می باشد. سپس از او درباره احسان پرسید، او برایش

خبر داد که احسان این است که الله را چنان عبادت کند که گویا او را می بیند، اگر رسیدن به این مقام برایش محقق نمی شد، پس الله متعال را چنان عبادت کند که الله او را می بیند، زیرا مقام مشاهدة اولی و بالاتر است و دومی مقام نظارت است. سپس از او پرسید که قیامت چه وقت است؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نمود که علم قیامت از آن چیزی است که الله متعال در علم خود محفوظ داشته است، پس هیچ کس از مخلوق آن را نمی داند، نه سوال شونده و نه سؤال کننده. سپس از او دربار نشانه های قیامت پرسید. او روشن ساخت که از نشانه های آن، فراوانی کنیزان و فرزندانشان است، یا کثرت سرپیچی فرزندان از مادرانشان است که با آنها مانند کنیز رفتار می کنند، و اینکه چوپان ها و فقرا در آخر زمان امکانات دنیا برایشان فراهم می شود، و به تزیین و ساخت ساختمان ها افتخار می کنند می باشد. سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند که سوال کننده جبرئیل بود، و برای تعلیم این دین حنیف به صحابه آمده بود.

http://www.sunnah.global/hadeeth/prs/show/4563